

رابطه‌ی بین احساس تنهایی و نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران سال ۱۳۹۳

سیده رحیمه تقوی^۱، نازنین هنرپروران^۲ و کاترین فکری^۲

چکیده

هدف: پژوهش تبیین رابطه‌ی احساس تنهایی و نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران، بود.

روش: جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که تعداد ۱۵۵ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. در این پژوهش این ابزارها استفاده شد: پرسش‌نامه‌ی احساس تنهایی، پرسش‌نامه‌ی نگرش به عشق و پرسش‌نامه‌ی ملاک‌های همسرگزینی. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از دو بخش آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت و ..) و همچنین میانگین، انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه‌ی متغیرها و رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی متغیرها) استفاده شد، و داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تحلیل گردید.

یافته‌ها: بیانگر این مطلب بود که: بین احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. از میان مؤلفه‌های نگرش به عشق، بین مؤلفه‌های اروس، پراگما و مانیا با ملاک‌های محتوایی و فرآیندی انتخاب همسر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. از میان مؤلفه‌های نگرش به عشق، دو حالت عشق اروس و پراگما، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ملاک‌های محتوایی همسرگزینی هستند. مؤلفه‌های اروس، پراگما و آگاپه قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هستند.

واژه‌های کلیدی: احساس تنهایی، نگرش به عشق، ملاک‌های همسرگزینی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران.

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

مقدمه

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های انسان در زندگی، انتخاب همسر است؛ زیرا بدین وسیله، به تشکیل خانواده می‌پردازد و این امر در زندگی شخصی، اجتماعی و تربیت فرزندان تأثیر به‌سزایی دارد. اهمیت این انتخاب به قدری است که می‌توان سعادت و رضایت و نیز ناکامی و حسرت آدمی را در زندگی به چگونگی این انتخاب مربوط دانست (بیرشک، ۱۳۸۲).

انتخاب همسر در زندگی انسان، امری اجتناب‌ناپذیر است و جزئی از مراحل رشد روانی محسوب می‌شود. ازدواج مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی انسان است. انتخاب همسر در زمان‌های مختلف و در جوامع گوناگون به صورت‌های مختلفی بوده، اما هیچگاه از تأثیر جامعه و شرایط اجتماعی برکنار نبوده است و همواره عوامل اجتماعی، میزان ازدواج، نوع ازدواج و معیارهای انتخاب همسر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در گذشته، انتخاب همسر بیش‌تر به صورت دگرانتخابی بوده و والدین فرزند، براساس مصالح و منافع خانوادگی به انتخاب همسر برای او می‌پرداختند. در چنین شرایطی منافع و خواست خانواده بر خواست و نظر فرد ارجحیت داشت. اما در جوامع امروزی به نظر می‌رسد که نقش و تأثیر فرد در انتخاب شریک زندگی نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده و همین تغییر بر معیارهای همسرگزینی نیز تأثیرگذار بوده است. عوامل مختلفی بر روی معیارهای همسرگزینی مؤثراند که این عوامل از گذشته تاکنون دچار تغییراتی شده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۹).

به جرات می‌توان گفت که بیش‌ترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به‌وجود می‌آید به این دلیل است که دختر و پسر، همسر مناسب خود را انتخاب نکرده‌اند و پس از چند سال زندگی متوجه می‌شوند مناسب یکدیگر نبوده‌اند. معیارها و ملاک‌های فراوانی می‌تواند در انتخاب همسر دخیل باشد، اما در موارد بسیاری ممکن است یک یا چند معیار خاص، مورد نظر باشد و فرد بنابراین به انتخاب همسر دست بزند. اولویت‌ها و ملاک‌های همسرگزینی^۳، ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگی‌هایی هستند که از یک معشوقه‌ی خیالی یا همسر بالقوه، مطالبه می‌شوند و تعداد زیادی از این ادراکات به صورت واضحی با هیجانان در ارتباط هستند (باس^۴، ۲۰۰۷). در دهه‌های گذشته رویکردهای متفاوتی در ارتباط با همسرگزینی شکل گرفته است که هر یک از آن‌ها، فرایند و چگونگی انتخاب زوجها توسط افراد متفاوت را از دیدگاه‌های متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. همچنین هر دیدگاه، معیارهایی را که هر فرد در هنگام انتخاب همسر مد نظر قرار می‌دهد، نیز بررسی می‌کند (دابویس^۵، ۲۰۱۰). از جمله‌ی این معیارها می‌توان به مقوله‌ی عشق اشاره کرد. به گفته‌ی ریزاوی بیش‌ترین علت هم برای ازدواج و هم برای طلاق، عشق یا فقدان آن است (به نقل از نوری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰).

اگر چه تعریف دقیق واژه‌ی "عشق" کار بسیار سختی است و نیازمند بحث‌های طولانی و دقیق است، اما جنبه‌های گوناگون آن را می‌توان از راه بررسی چیزهایی که عاشقانه نیستند، تشریح کرد. عشق به عنوان یک احساس مثبت (و شکل بسیار قوی "دوست-داشتن") معمولاً در نقطه‌ی مقابل تنفر (یا بی‌احساسی محض) قرار می‌گیرد و در صورتی که در آن عامل میل جنسی کم‌رنگ باشد و یک شکل خالص و محض رابطه‌ی رمانتیک را متضمن باشد، با کلمه‌ی شهوت قابل قیاس است؛ عشق در صورتی که رابطه‌ی بین فرد و دیگر افراد را توصیف کند که در آن زمزمه‌های رمانتیک زیادی وجود دارد در مقابل دوستی و رفاقت قرار می‌گیرد؛ با وجود آن‌که در برخی از تعریف‌ها "عشق" بر وجود رابطه‌ی دوستانه‌ی میان دو نفر در بافت‌های خاص تأکید دارد (عابدین‌زاده و تقی‌نیا، ۱۳۷۷).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر مقوله‌ی ازدواج، احساس تنهایی است. روانشناسان، تعاریف متعددی از احساس تنهایی ارائه کرده‌اند، از جمله این‌که احساس تنهایی حاصل محروم ماندن از نیاز اساسی بشر به صمیمیت است.

³. Mateselection preference

⁴. Buss

⁵. Dubuis

نتیجه‌ی بیگانگی انسان از جامعه و از خود اوست، تجربه‌ی عاطفی دردناک، ترس‌آور، عام و خطیری است که پیامدهای آسیب‌شناختی روانی گسترده‌ای دارد و این‌که احساس فرد از نبود صمیمیت بین فردی است (شیخ، یوسفی، حسنی و زیویار، ۱۳۸۵). احساس تنهایی، حالت روان‌شناختی دردآور و شخصی است که افراد درگیر را با احساس خلأ، غمگینی و بی‌تعلقی روبه‌رو می‌کند و به شیوه‌های مختلف بر روابط آن‌ها و مناسبات مختلف زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد. اضطراب ناشی از درک آن و نگرش اغلب منفی اعضای جامعه به افراد دارای این احساس به‌طور معمول موجب جلوگیری از ابراز آن می‌شود (شمسایی و یوسفی، ۱۳۸۶). احساس تنهایی را می‌توان نارسایی و ضعف محسوس در روابط بین فردی دانست که منجر به نارضایتی فرد از روابطش می‌شود و به تجربه‌ی نارضایتی از روابط اجتماعی می‌انجامد (نوری، ۱۳۸۵). پژوهش‌ها درباره‌ی این احساس، بیانگر آن است که، احساس تنهایی در هر سنی از دوران خردسالی تا سال‌های پایان عمر دیده می‌شود اما فراوانی آن در سال‌های نوجوانی و سال‌های آغازین بزرگسالی افزایش می‌یابد. بررسی‌های موجود نشان می‌دهند که افراد دارای احساس تنهایی دارای ویژگی‌هایی هستند که از آن جمله می‌توان به احساس خرسندی و شادمانی اندک، اعتماد به نفس پایین، از خودبیگانگی، احساس خجالت و کم‌رویی، خودداری از برقراری ارتباطات اجتماعی، تعداد اندک دوستان، بدبینی، ناتوانی در ابراز خود، دیگر‌گریزی و درون‌گرایی اشاره کرد (داورپناه، ۱۳۷۲).

تحقیقات متعددی در رابطه با موضوع مورد مطالعه انجام شده است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود. خوئی‌نژاد، رجایی و محب‌راد (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان "رابطه‌ی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر" به این نتیجه رسیدند که بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری مقتدر با احساس تنهایی رابطه‌ی منفی معنادار، مستبد با احساس تنهایی رابطه‌ی مثبت معنادار، و سهل‌گیر با احساس تنهایی رابطه‌ی مثبت معنادار وجود دارد. یعقوبی و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خود با عنوان "بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی با احساس غربت و سلامت عمومی دانشجویان" به این نتیجه رسیدند که جنسیت نقش زیادی در احساس تنهایی دارد، به شکلی که احساس تنهایی در دختران دانشجو، شدیدتر از پسران دانشجو است. رضایی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس تنهایی دانشجویان نشان دادند که بین احساس تنهایی و افسردگی، اضطراب و استرس رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. ریگیو^۶ (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ی خود، به بررسی نگرش به ازدواج و نگرش‌های درونی‌شده و پیامدهای ارتباط بین فردی و وضعیت تأهل والدین در بین ۴۰۰ دانشجو پرداخت. نتایج نشان داد که نگرش به ازدواج بر کیفیت ارتباط تأثیر دارد و پیشگویی‌کننده‌ی قضاوت اشخاص درباره‌ی تجربه‌ی یک زندگی شاد یا ناشاد است. نگرش‌های درونی‌شده با تعارض، تعهد، میل و امید به موفقیت در ارتباط زناشویی همبستگی دارد و بر روی نگرش‌های غیرمستقیم فرد تأثیر شدید می‌گذارد. حفاظی طریقه و همکاران (۱۳۸۵) به بررسی رابطه‌ی میان مؤلفه‌های عشق و رضایت زناشویی در بین ۲۲۳ نفر از افراد ساکن شهر شیراز پرداختند. یافته‌های این تحقیق حاکی از وجود رابطه‌های مثبت و معنادار بین هر دو مؤلفه‌ی عشق و رضایت زناشویی بود. محمودی و حافظ‌الکتب (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی و رضایتمندی زناشویی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین مؤلفه‌ی (هوس) و رضایتمندی زناشویی در زنان و نیز بین مؤلفه‌های (هوس و صمیمیت) و رضایتمندی زناشویی در مردان رابطه وجود دارد. به علاوه، سبک‌های عشق‌ورزی بر رضایتمندی زناشویی تأثیر دارند و میانگین رضایتمندی افراد با سبک‌های عشق (رومانتیک، شیفتگی، کامل، احمقانه) بیش‌تر از افراد با سبک‌های عشق (پوچ، همدلانه، دوست‌داشتن) است. یوسفی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی با کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل" به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های عشق‌ورزی رمانتیک، فداکارانه، دوستانه و واقع‌گرایانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه‌ی مثبت و سبک‌های عشق‌ورزی شهوانی و بازیگرانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی رابطه‌ی منفی دارند.

بانوجه به اهمیت موضوع ازدواج و انتخاب همسر، اثرات زینبار طلاق، نرخ روزافزون طلاق و با توجه به نقش ملاک‌های همسرگزینی در تعیین ثبات ازدواج و جلوگیری از بروز فرسودگی، کسب اطلاعاتی که بتواند تبیین‌کننده‌ی عوامل مؤثر بر این جریان باشد،

⁶. Riggio

ضروری به نظر می‌رسد. لذا پژوهش حاضر قصد دارد با هدف بررسی رابطه‌ی احساس تنهایی و نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی به آزمون فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

- ۱- بین احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۲- بین نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.
- ۳- احساس تنهایی، قادر به پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی می‌باشد.
- ۴- نگرش به عشق، قادر به پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی می‌باشد.

روش اجرای پژوهش

روش اجرا در این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و به منظور تکمیل برخی از بخش‌ها از روش اسنادی نیز استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش مشتمل بر دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی گچساران در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ بود که در معرض ازدواج قرار داشتند. نمونه‌ی آماری این پژوهش ۱۵۵ نفر می‌باشد که به طور تصادفی انتخاب شده‌اند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش، سه نوع پرسش‌نامه (الف- احساس تنهایی، ب- نگرش به عشق و ج- ملاک‌های همسرگزینی) بوده است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری *SPSS* استفاده شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از سه پرسش‌نامه به شرح زیر استفاده شده است:

(الف) پرسش‌نامه‌ی احساس تنهایی: پرسش‌نامه‌ی احساس تنهایی راسل^۷ و فرگوسن^۸ (۱۹۶۶)، دارای ۲۰ پرسش است که آزمودنی باید به هریک از پرسش‌ها روی مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای شامل هرگز (نمره ۱)، به ندرت (نمره ۲)، گاهی (نمره ۳) و اغلب (نمره ۴) پاسخ دهد. دامنه‌ی نمرات این آزمون، از ۲۰ تا ۸۰ است. این ابزار سنجش نخستین بار توسط راسل و فرگوسن تدوین شد، که بعد از سه بار ویرایش، نسخه‌ی نهایی این مقیاس در چهارگروه دانشجویان، پرستاران، معلمان و افراد مسن، و به شیوه‌های مختلفی از قبیل خودگزارش‌دهی و مصاحبه اجرا شده است. در پژوهش دلور و همکاران (۱۳۸۵)، برای سنجش اعتبار سؤالات پرسش‌نامه‌ی احساس تنهایی، ضرایب همبستگی بین هر یک از مواد پرسش‌نامه با نمره‌ی کل، محاسبه شد و محاسبات در سطح معنادار به دست آمد. بنابراین اعتبار سؤالات، قابل قبول است. ضریب آلفای کرونباخ، برای تعیین پایایی، ۰/۸۸ و ضریب همبستگی بین نمرات افسردگی و احساس تنهایی نیز ۰/۶۷ محاسبه شد. بنابراین اعتبار همزمان پرسش‌نامه نیز تأیید گردید.

(ب) پرسش‌نامه‌ی نگرش به عشق: "هندریک و هندریک"^۹، ابزاری مرکب از ۴۲ گویه که هر ۷ پرسش آن یکی از حالت‌های عشق را می‌سنجد، تهیه کردند که یک ساختار عاملی مطابق با سنخ‌شناسی "لی" بود و در مجموع ۶ حالت عشق را می‌سنجد. (اروس E؛ عشق شهوانی، فاقد منطق، عشق فیزیکی که به واسطه‌ی جذابیت و گیرایی و کشش‌های جسمانی و یا ابزار آن به طور فیزیکی نمایان می‌گردد، که همان عشق در نگاه اول است. لودوس L؛ عشق تفتنی، بی‌تعهد، هوسبازانه، عشق‌های رمانتیک زودگذر، کثرت‌گرا نسبت به شریک عشقی، و فاقد رابطه‌ی درازمدت است. P؛ عشق منطقی، عملی، سودجویانه، عشقی که مبتنی بر منافع و دورنمای مشترک می‌باشد، پایبند به اصول منطقی و خردگراست. استورگ S؛ عشق دوستانه، وابسته به احترام و نگرانی نسبت به منافع متقابل، صمیمانه و متعهد، با رابطه‌ی درازمدت، پایدار و بادوام و فاقد شهوت است. مانیا M؛ عشق افراطی، مالکیتی، انحصارطلب، وابسته، حسادت‌برانگیز، دارای شیفتگی شدید به معشوق، فاقد عزت نفس، با عدم رضایت از رابطه، دردسرساز و وسواس‌گونه است. آگاه‌په A؛ عشق الهی بدون خودخواهی، عشق معنوی، فداکارانه، از خود گذشته، نوع دوستانه و بدون چشم‌داشت

7. Rasell

8. Fergosen

9. Hendrick&Hendrick

است. هندریک نیز در تحقیقی ارتباط بین این ابزار سنجش را با تست‌های دیگری که در رابطه با عشق هست مورد سنجش قرار داد و همسانی آن‌ها را تأیید کرد. اعتبار این ابزار سنجش، ۰/۸۹ است که تأییدکننده اعتبار مطلوب پرسش‌نامه‌های خودسنجی است.

ج) پرسش‌نامه‌ی ملاک‌های همسرگزینی: مشتمل بر ۲۲ عبارت (ملاک) براساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ در معنای بی‌اهمیت تا بسیار مهم است که دو بعد فرایندی و محتوایی را در انتخاب همسر بررسی می‌کند. پرسش‌نامه در دو موقعیت هنگام ازدواج و اکنون (پس از گذشت دست کم ۵ سال از ازدواج) نمره‌گذاری و اولویت‌بندی می‌شود. اعتبار پرسش‌نامه‌ی ملاک‌های همسرگزینی به روش محاسبه‌ی آلفای کرونباخ $\alpha = 0/87$ محاسبه گردید که نشانگر اعتبار بالای پرسش‌نامه می‌باشد و همچنین روایی سازه‌ی پرسش‌نامه‌ی مذکور در کل ۲ عامل محتوایی و فرایندی است که ۷۵٪ واریانس کل را تبیین می‌کنند که حاکی از روایی قابل قبول پرسش‌نامه است (رفاهی، ثنایی ذاکر، شفیعی‌آبادی و شریفی، ۱۳۸۷).

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفته است. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش استفاده شده است. در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون برای تعیین رابطه‌ی متغیرها و رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی متغیرها استفاده شد. ضمناً سطح معناداری در این پژوهش $\alpha: 0/05$ در نظر گرفته شده و داده‌ها با استفاده از نرم افزار *SPSS* تحلیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهشی

داده‌های جمع‌آوری شده با توجه به فرضیه‌های پژوهش توصیف و تجزیه و تحلیل شده‌اند.

الف: یافته‌های توصیفی

جدول ۱. شاخص‌های آماری احساس تنهایی، نگرش به عشق و ملاک همسرگزینی

متغیر	میانگین	انحراف معیار
احساس تنهایی	۴۳/۲۵	۹/۳۳
اروس	۱۵/۹۶	۲/۷۰
لودوس	۱۲/۹۱	۳/۲۳
استورگ	۱۳/۸۸	۴/۴۲
پراگما	۱۵/۱۶	۳/۳۴
مانیا	۱۴/۲۸	۳/۴۶
آگاه‌په	۱۳/۹۹	۴/۰۶
ملاک محتوایی	۴۶/۹۵	۶/۵۸
ملاک فرایندی	۴۵/۹۸	۵/۷۳

در جدول فوق میانگین و انحراف معیار احساس تنهایی، نگرش به عشق و ملاک همسرگزینی نشان داده شده است.

ب: یافته‌های استنباطی

در این قسمت وضعیت استنباطی فرضیه‌های پژوهش طی جدول‌هایی ارائه شده است.

فرضیه اول پژوهش: بین احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۲. آزمون ماتریس همبستگی برای بررسی رابطه‌ی میان احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی

متغیر	احساس تنهایی	ملاک محتوایی	ملاک فرآیندی
احساس تنهایی	۱	-۰/۰۱۵	۰/۰۶۲

** $P \leq 0/05$

بر اساس اطلاعات جدول فوق بین احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی (ملاک محتوایی و ملاک فرآیندی) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد، زیرا سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد.

فرضیه‌ی دوم پژوهش: بین نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. برای بررسی این فرضیه‌ی پژوهش از آزمون آماری ماتریس همبستگی استفاده می‌شود.

جدول ۳. آزمون ماتریس همبستگی برای بررسی رابطه بین نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی

متغیر	اروس	لودوس	استورگ	پراگما	مانیا	آگاهیه
ملاک محتوایی	۰/۳۵۳**	۰/۰۸۱	۰/۰۲۰	۰/۴۰۸**	۰/۱۹۶*	۰/۱۲۰
ملاک فرآیندی	۰/۳۲۴**	۰/۰۳۷	۰/۰۶۲	۰/۳۵۴**	۰/۲۱۶**	۰/۰۲۱

* $P \leq 0/05$ ** $P \leq 0/01$

بر اساس اطلاعات جدول فوق از بین مؤلفه‌های نگرش به عشق، بین مؤلفه‌های اروس، پراگما و مانیا با ملاک‌های محتوایی انتخاب همسر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. مقدار این رابطه به ترتیب برابر با ۰/۳۵۳، ۰/۴۰۸ و ۰/۱۹۶ می‌باشد. همچنین بین مؤلفه‌های اروس، پراگما و مانیا با ملاک‌های فرآیندی انتخاب همسر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد، مقدار این رابطه به ترتیب برابر با ۰/۳۲۴، ۰/۳۵۴ و ۰/۲۱۶ می‌باشد.

فرضیه‌ی سوم: نگرش به عشق قادر به پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی می‌باشد. برای بررسی این فرضیه از آزمون رگرسیون همزمان استفاده شده است.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R = 0/48$ و ضریب تعیین به‌دست‌آمده برابر با ۲۳٪ $R^2 = 0/23$ می‌باشد. این امر بیانگر این است که مؤلفه‌های نگرش به عشق جمعاً حدود ۲۳٪ از تغییرات ملاک‌های محتوایی همسرگزینی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، با توجه به سطح معناداری و $Beta$ می‌توان پی برد که مؤلفه‌های اروس و پراگما در سطح ۰/۰۵ $p \leq$ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ملاک‌های محتوایی همسرگزینی هستند.

جدول ۴. نتایج رگرسیون مؤلفه‌های نگرش به عشق با ملاک‌های محتوایی همسرگزینی

شاخص آماری متغیر پیش بین	R	R ²	F	B	Beta	t	Sig
اروس				۰/۶۷۸	۰/۲۷۹	۳/۴۶۴	۰/۰۰۱
لودوس				-۰/۰۴۵	-۰/۰۲۲	۰/۲۸۴	۰/۷۷۷
استورگ	۰/۴۸	۰/۲۳	۷/۵۸۲	-۰/۱۴۵	-۰/۰۹۸	۱/۲۵۶	۰/۲۱۱
پراگما				۰/۶۵۶	۰/۳۳۳	۴/۱۲۶	۰/۰۰۱
مانیا				۰/۱۲۴	۰/۰۶۵	۰/۸۱۳	۰/۴۱۸
آگاهیه				۰/۱۱۰	-۰/۰۶۸	۰/۸۵۸	۰/۳۹۲

جدول ۵. نتایج رگرسیون مؤلفه‌های نگرش به عشق با ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی

شاخص آماری متغیر پیش بین	R	R ²	F	B	Beta	t	sig
اروس	۰/۴۶	۰/۲۱	۶/۶۶۹	۰/۵۸۱	۰/۲۷۴	۳/۳۵۳	۰/۰۰۱
لودوس				-۰/۱۴۱	-۰/۰۷۹	-۱/۰۰۹	۰/۳۱۵
استورگ				-۰/۰۵۱	-۰/۰۳۹	۰/۴۹۸	۰/۶۱۹
پراگما				۰/۵۰۴	۰/۲۹۳	۳/۵۸۴	۰/۰۰۱
مانیا				۰/۲۲۴	۰/۱۳۵	۱/۶۹۵	۰/۰۹۹
آگاهیه				-۰/۲۵۱	-۰/۱۷۸	-۲/۲۳۱	۰/۰۲۸

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر با $R = ۰/۴۶$ و ضریب تعیین به‌دست‌آمده برابر با $R^2 = ۰/۲۱$ می‌باشد. این امر بیانگر این است که مؤلفه‌های نگرش به عشق جمعاً حدود ۲۱٪ از تغییرات ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، باتوجه به سطح معناداری و Beta می‌توان پی برد که مؤلفه‌های اروس، پراگما و آگاهیه در سطح $p \leq ۰/۰۵$ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هستند.

فرضیه‌ی چهارم: احساس تنهایی قادر به پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی می‌باشد.

با توجه به این که بین احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی در جدول آزمون ماتریس همبستگی برای بررسی رابطه‌ی میان احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی رابطه‌ای مشاهده نشد نمی‌توان از آزمون رگرسیون استفاده کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲ می‌توان گفت بین احساس تنهایی با ملاک‌های همسرگزینی (ملاک محتوایی و ملاک فرآیندی) رابطه‌ی معناداری وجود ندارد، زیرا سطح معناداری بالاتر از $۰/۰۵$ می‌باشد. در رابطه با این متغیر تحقیقات همسو یا ناهمسو یافت نشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، از آن‌جا که احساس تنهایی، حالت روان‌شناختی دردآور و شخصی است که افراد درگیر را با احساس خلأ، غمگینی و بی‌تعلقی روبرو می‌سازد، همچنین از آن‌جا که احساس تنهایی نتیجه‌ی بیگانگی انسان از جامعه و از خود است، حس صمیمیت، دوستی و عشق به طرف مقابل را در فرد از بین می‌برد و حالات خلقی ناراحت‌کننده‌ای در او ایجاد می‌کند و فرد را بیش‌تر درگیر فشار روانی ناشی از احساس تنهایی می‌کند که این خود سبب می‌شود فرد برای زندگی آینده و انتخاب همسر نتواند برنامه‌ریزی کند. در این صورت احساس تنهایی می‌تواند سبب کم‌رنگ شدن ملاک‌های همسرگزینی شود و حساسیت نسبت به همسر آینده را کاهش دهد.

نتایج حاصله از آزمون فرضیه‌ی دوم نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های نگرش به عشق، بین مؤلفه‌های اروس، پراگما و مانیا با ملاک‌های محتوایی انتخاب همسر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. مقدار این رابطه به ترتیب برابر با $۰/۳۵۳$ ، $۰/۴۰۸$ و $۰/۱۹۶$ می‌باشد. همچنین بین مؤلفه‌های اروس، پراگما و مانیا با ملاک‌های فرآیندی انتخاب همسر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد، مقدار این رابطه به ترتیب برابر با $۰/۳۲۴$ ، $۰/۳۵۴$ و $۰/۲۱۶$ می‌باشد.

این یافته‌ها با یافته‌های تحقیقات نوری و جان‌بزرگی (۱۳۸۹)، نتو^{۱۰} (۲۰۰۱)، هایتور و روبرت^{۱۱} (۱۹۹۶)، گنزاگه^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۱) در یک راستا می‌باشد.

¹⁰. Neto

¹¹. Hightower & Robert

¹². Gonzaga

در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به این که افراد در انتخاب همسر، زیبایی و جذابیت فیزیکی را در نظر می‌گیرند و آن را به عنوان یک عامل مهم، مد نظر دارند، در نتیجه ارتباط بین این دو متغیر (عشق رمانتیک و ملاک‌های همسرگزینی) دور از انتظار نمی‌باشد. در مورد رابطه‌ی بین عشق واقع‌گرایانه و انتخاب همسر می‌توان گفت، از آن جا که افراد در زندگی به دنبال یک ازدواج پایدار و سالم هستند و همسر خود را براساس نیازهای شخصی و همخوانی با سن، مذهب، سوابق و شخصیت انتخاب می‌کنند، بنابراین، بین این نوع عشق با ملاک انتخاب همسر می‌تواند رابطه وجود داشته باشد. در مورد عشق مانیا نیز می‌توان گفت با توجه به این که میل جنسی یک میل قوی در وجود انسان است و سبب ایجاد هیجانات نسبت به طرف مقابل می‌شود و این هیجانات ادراکاتی در مورد صفات یا ویژگی‌های یک معشوقه‌ی خیالی و همسر بالقوه را در فرد به وجود می‌آورد بنابراین می‌توان گفت بین عشق شهوانی و ملاک انتخاب همسر رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی سوم نشان می‌دهد مؤلفه‌های نگرش به عشق جمعاً حدود ۲۳٪ از تغییرات ملاک‌های محتوایی همسرگزینی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، با توجه به سطح معناداری و Beta می‌توان پی برد که مؤلفه‌های اروس و پراگما در سطح $p \leq 0/05$ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ملاک‌های محتوایی همسرگزینی هستند. این یافته با یافته‌های پژوهش مورد و همکاران (۱۹۹۵)، به نقل از محمودی و حافظ‌الکتب، (۱۳۸۹)، نتو (۲۰۰۱) و هاتفیلد و همکاران (۲۰۱۰) هم راستا می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت از آن جا که در عشق واقع‌گرایانه، فرد سعی دارد که با شخصی زندگی زناشویی را تشکیل دهد که از لحاظ طبقه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سنی، اعتقادات مذهبی و دینی و نگاه به زندگی اشتراکاتی داشته باشد و این نقاط مشترک را عاملی مهم در رضایت از زندگی زناشویی می‌داند بنابراین می‌توان گفت در انتخاب همسر ملاک محتوایی را در نظر می‌گیرد، چرا که ملاک محتوایی به تشابه در خصوصیات هم چون سن، تحصیلات، شغل و درآمد و نیز سلامت روانی و جسمانی، قومیت و مذهب فرد اشاره دارد (ثنایی‌ذاکر، علاقه‌بند، فلاحی و هومن، ۱۳۸۷). همچنین افرادی که جذابیت و زیبایی طرف مقابل را به عنوان عامل مهم در تداوم زندگی زناشویی می‌دانند و سعی دارند با کسی ازدواج کنند که میل شدیدی نسبت به آن دارند و معتقدند عشق به طرف مقابل و زندگی با کسی که از لحاظ چهره و اندام، دلنشین باشد می‌تواند سلامت روانی در ادامه‌ی زندگی برای آن‌ها به دنبال داشته باشد، این افراد در انتخاب همسر ملاک محتوایی را در نظر می‌گیرند.

علاوه بر این، یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌ی سوم نشان داد که مؤلفه‌های نگرش به عشق جمعاً حدود ۲۱٪ از تغییرات ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین مؤلفه‌های اروس، پراگما و آگاپه در سطح $p \leq 0/05$ قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ملاک‌های فرآیندی همسرگزینی هستند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که به فرآیند عشق و عشق‌ورزی نگاه پراگما دارند معتقدند که باید با کسی ازدواج کرد که با وی تشابه عقیده‌ای، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و فکری داشته باشند، لذا می‌توان گفت با این نگاه به ازدواج، فرد مهارت‌های حلّ مسأله، درک طرف مقابل و کنار آمدن با افکار و اندیشه‌های طرف مقابل را مد نظر قرار می‌دهد. علاوه بر این، افرادی که معتقدند باید با کسی ازدواج کرد که زیبایی وی برای سال‌ها دوام داشته باشد و شریک زندگی باید چهره و اندام دلنشینی داشته باشد (اروس) جهت زندگی، مهارت کنار آمدن با طرف مقابل در آینده را مد نظر دارند. همچنین افرادی که نگاه فداکارانه و از خودگذشتگی نسبت به معشوق دارند و معتقدند در برابر معشوق خود باید بخشنده و انعطاف‌پذیر بود (آگاپه) در انتخاب همسر مهارت‌های انعطاف‌پذیری و ارتباطی را مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت نگاه پراگما، اروس و آگاپه داشتن، نسبت به عشق و عشق‌ورزی نیز می‌تواند ملاک فرآیندی انتخاب همسر که به کنش‌هایی مانند درک طرف مقابل، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های کنار آمدن، مهارت‌های حلّ مسأله، انعطاف‌پذیری و... اشاره دارد را پیش‌بینی کند. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه بوده است که تعمیم‌پذیری یافته‌های آن را محدود می‌کند. از جمله عدم همکاری مناسب از سوی برخی از آزمودنی‌ها که جزء نمونه‌ی آماری پژوهش بودند؛ عدم کنترل تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی آزمودنی‌ها؛ محدودیت در تفسیر و تعمیم نتایج به دلیل

محدود بودن ابزار مورد استفاده (پرسشنامه) و همچنین نتایج این پژوهش محدود به دانشجویان مجرد دانشگاه آزاد گچساران می‌باشد، لذا در تعمیم نتایج حاصل به سایر دانشجویان باید احتیاط نمود.
در ادامه پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به رابطه‌ی بین سبک عشق‌ورزی و ملاک‌های همسرگزینی پیشنهاد می‌شود که رسانه‌های جمعی و همچنین دانشگاه‌ها برنامه‌هایی جهت آگاهی افراد نسبت به ملاک‌های صحیح انتخاب همسر و نحوه‌ی عشق‌ورزی صحیح در نظر بگیرند تا شاهد ازدواج‌های موفق و کاهش آمار طلاق در جامعه باشیم؛ با توجه به این‌که ازدواج‌ها بیش‌تر بر اساس روابط عاشقانه و بدون دخالت مستقیم خانواده انجام می‌شود پیشنهاد می‌شود، مشاوران به خصوص مشاوران مراکز دانشجویی با برگزاری کارگاه‌های آموزشی آشنایی با ملاک‌های همسرگزینی برای دانشجویان، نقش و تأثیر این ملاک‌ها را در زندگی زناشویی آینده‌ی آن‌ها جهت دستیابی به یک خانواده‌ی سالم و کامیاب پررنگ و مشخص نمایند؛ جهت فراهم‌شدن زندگی توأم با آرامش پیشنهاد می‌شود که علاوه بر آموزش معیارهای صحیح انتخاب همسر به جوانان، با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی معیارهای صحیح انتخاب همسر به خانواده‌های آنان نیز آموزش داده شود. همچنین در ادامه پیشنهاد می‌شود بررسی رابطه‌ی بین احساس تنهایی و نگرش به عشق با ملاک‌های همسرگزینی در جامعه‌های دیگر بررسی گردد و مورد پژوهش واقع شود.

منابع

- بیرشک، ب. (۱۳۸۲). وضعیت ازدواج و طلاق در ایران، تهران: رسا.
- ثناپی ذاکر، ب؛ علاقه‌بند، س؛ فلاحتی، ش؛ هومن، عباس. (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: بعثت.
- حفاظی طرقله، م؛ فیروزآبادی، ع و حق‌شناس، ح. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین اجزای عشق و رضایتمندی زوجی، مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره‌ی شانزدهم، شماره ۵۴، صص ۱۰۹-۹۹.
- داورپناه، ف. (۱۳۷۲). هنجاریابی نسخه‌ی تجدیدنظرشده‌ی مقیاس احساس تنهایی *UCLA* برای دختران ۱۲ تا ۱۸ سال در تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- زارع شاه‌آبادی، ا، زارع شاه‌آبادی، ع.ر. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد، فصل-نامه‌ی جمعیت، شماره‌ی ۳۹، صص ۲۳-۳۹.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، چاپ دوازدهم.
- شمسایی، ن؛ یوسفی، ب. (۱۳۸۶). بررسی ارتباط منبع کنترل و احساس تنهایی دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار. ماهنامه‌ی حرکت، شماره ۳۳، صص ۴۷-۶۵.
- شیخ، م یوسفی، ب؛ حسنی، ز و زیویار، ف. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ی منبع کنترل و احساس تنهایی در بین دختران ورزشکار و غیر ورزشکار، پژوهش در علوم ورزش، شماره ۱۰، صص ۱۳۵-۱۲۵.
- عابدین‌زاده، م.ر؛ تقی‌نیا، پ. (۱۳۷۷). فرهنگ نامه لغات و تعاریف روابط انسانی، تهران: نشر گلستانه.
- محمودی، غ و حافظ‌الکتاب، ل. (۱۳۸۹). رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی و رضایتمندی زناشویی، تحقیقات روان‌شناختی، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۱۴-۱۰۱.
- نصیرزاده، ر؛ رسول‌زاده‌طباطبایی، ک. (۱۳۸۸). معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه تهران، مجله‌ی علمی-پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۴)، صص ۵۰-۴۱.
- نوری، ن.ا. (۱۳۸۵). نقش خوش‌بینی در کاهش اضطراب، ماهنامه‌ی راه تربیت، شماره ۳، صص ۵۶-۶۹.
- نوری، ن؛ جان‌بزرگی، م. (۱۳۹۰). رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج، مجله‌ی علوم رفتاری، دوره ۵، شماره ۳، صص ۲۳۳-۲۲۵.
- یوسفی، ن و باقریان، م. (۱۳۹۰). بررسی ملاک‌های همسرگزینی و فرسودگی زناشویی به عنوان متغیرهای پیش‌بین زوجین متقاضی طلاق و مایل به ادامه‌ی زندگی مشترک، فصل‌نامه‌ی مشاوره و روان‌درمانی، سال اول، شماره‌ی ۳.
- Buss, D. M. (2007). Evolutionary psychology: sex difference in human meta reference, *journal of counseling and clinical psychology*, 6(11): 91-110.
- Dabuis, M. H. (2010). Importance difference criteria for meta selection in single and married, *journal of marriage and the family*, 67, 133-146.
- Lykken, D. T; Tellegen, A. (2008). Is human mating adventitious or the result of lawful choice: a twin study of meta selection, *journal of counseling and clinical psychology*, 31, 502-518.

The Relationship between Loneliness and the Attitude to Love, Mate Selection Criteria in Islamic Azad University Gachsaran

Seyedeh Rahimeh Taghavi, Nazanin Honarparvaran, Katrin Fekri

Abstract

This study aimed to explore the relationship between loneliness and the attitude to love with mate selection criteria in Islamic Azad University, GACHSARAN. statistical population of this research includes the Islamic Azad University GACHSARAN undergraduate and graduate academic year 93-92 of the 155 people that a multistage cluster sampling measurements were selected. In this research following instruments were used: the questionnaire of loneliness, a questionnaire of attitude and love - the mate selection criteria. In order to analyze the data collected at the two descriptive statistics (frequency, percentage frequency of the cognitive variables (gender, etc.) And the average standard deviation of the variables) and inferential statistics (Pearson correlation coefficient to determine the relationship between the variables and regression to predict variables) were used. Data were analyzed using SPSS software.

Results of this study indicate that: there is no significant relationship between loneliness with mate selection criteria. Component of attitudes to love, between eros components, Pragma, and Mania substantive criteria and selection process, there is a significant positive correlation. The elements of love, eros and pragma two strong, the pre see criteria for mate selection are content. Component of Eros, Pragma, and the pre a Gapeh strong predictor process of mate selection criteria.

Keywords: Loneliness, attitude towards love, mates selection criteria.